۲۵۲- ای اديب دبستان الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۵۲- ای اديب دبستان الهی

ای اديب دبستان الهی، دست و پری بگشا و آستينی بيفشان توجّهی بنما و بال و پری باز کن پروازی آغاز نما و نغمه و آوازی از حنجر روحانی برآر و لحن حجازی و عراقی بخوان بلبل گويای اين گلزار شو و هزار هزار آواز اين لاله زار شمع روشن انجمن عالم شو و جوهر جامع حقيقت آدم رخی منوّر کن ذيلی مطهّر بنما مشامی معطّر کن و عقلی مصوّر ببين پردهٔ مستوری برانداز و چون گل رسوای کوچه و بازار شو. و اگر نقابی جوئی چون نور ديده در نقاب زجاجی و پردهٔ شفّاف صافی درآ مست و مخمور شو محو و مشهور گرد واله و شيدا شو سينهٔ سينا جو آفت منجمدان باش و فارس ميدان گرد نجم بازغ شو و نور لامع گرد. کاری کن که در ملکوت ابهی و افق اعلی با رخی روشن و جانی چون گلشن مشهور گردی و نشر نفحات قدس نمائی و حشر مجامع انس کنی و چون از مقرّ فنا بمکمن بقا توجّه نمائی با سپاه و جنود و طبل و کوس و اعلام منشور و الويهٔ مشهور آهنگ ملکوت ابهی کنی.

